

# طرحی نو در اندازیم



◀ **علی سرتیپی** - تهیه کننده، پخش کننده و سینمادار / هرسال زمزمه های اکران نوروزی و بعد از آن در میان دفاتر پخش و سینمادارها از نیمه های پاییز سال قبل

شروع می شود، که بعد از نمایش های جشنواره فیلم فجر، به تحرکی آمیخته با امید در این محافل تبدیل می شود. گویی خونی تازه در اکران و نمایش جریان می یابد. بهار و تابستان همیشه فصل طلایی اکران در ایران بوده است. با نزدیک شدن به این برهه زمانی، افت و خیزهای اکران سال قبل به فراموشی سپرده می شود و بآس ها و شکست ها به امید برای آینده تبدیل می شود اما سال ۹۸ ماجرا به گونه ای دیگر کلید خورد.

با برخاستن هیولایی خفته به نام کرونا در اواخر این سال که چون ابرسیاهی دنیا را فرا گرفت، چرخ اقتصاد جهانی کند و کندتر شد و به تبع آن سینمای ایران سال نور کم رمق شروع کرد و در سایه کرونا چراغش هر روز کم سو و کم سوتر شد. صندلی های سالن های یکی بعد از دیگر خالی ماندند و صدای خنده ها و گریه های تماشاگران پرده نقره ای از سالن ها پرکشید. دفاتر پخش و سینمادارها با امید به گذرا بودن فاجعه مدتی را در انتظار و انفعال گذراندند؛ اما زمانی که دومینوی تعطیلی سینماها در کشورهای مختلف به ایران رسید و بالاخره کرونا توانست قفل خودش را بر در سینماها بکوبد، جلسات متعددی اینجا و آنجا، با مسئولان دولتی و صنفی برای پیدا کردن راهکاری برای خروج از بحران تشکیل شد. بحرانی که علاوه بر ضایعات جبران ناپذیر فرهنگی و اجتماعی تأثیرات ویرانگر اقتصادی آن بر زندگی هزاران نفر از کارکنان سینماهای کشور که سال ها عمر و توان خود را در سالن های تاریک گذرانده اند کاملاً مشهود بود. کمک های اندکی که در توان سیستم دولتی بوده و هست نیز با توجه به ابعاد همه گیر فاجعه نمی تواند تأثیر چندانی بر این نابسامانی ها بگذارد. راه حل هایی مانند «سینما ماشین» و «سینما آنلاین» و «سینمای خانگی» نیز

طبیعتاً نمی تواند جای جوهره سینما یعنی همان نمایش برای جمعیت در سالن تاریک را بگیرد. چنانکه در سایر کشورها در شرایط عادی و با وجود امکان شیوه های مختلف نمایش یک اثر سینمایی، استقبال تماشاگران از نمایش در سالن های سینما با فاصله ای زیاد در صدر قرار می گیرد. اما تجربه های بعد از کرونا به ما نشان داد که در استفاده متنوع از نمایش غیر سالنی دارای مشکلاتی هستیم

که ناشی از ابزار زیرساختی است. این امر نشان می دهد که سیستم نمایش مادر شرایط عادی به حداقل امکانات بسنده کرده و نتوانسته همپای کشورهای دیگر خود را به روز کند.

شرایط امروز که نشان از کندی تحرک در همه زمینه های اجتماعی و هنری دارد، شاید فرصتی باشد تا قدری به تفکر بنشینیم و از کاستی های گذشته برای فردای خود درس بگیریم و چراغی برای آینده خود روشن کنیم. شاید باید نگرش خود را به مقوله سینما عوض کنیم، چرا که نگرش فرد و جامعه در دوران کرونا حتماً تغییر می یابد و ما به مرور با مخاطبی دیگر روبه رو خواهیم شد. مخاطبی با اندیشه دیگر و انتظاراتی دیگر. در این فرصت که سینما دچار فترت شده فرصت است تا بیشتر به این فکر کنیم که در گذشته با مخاطبان خود چه کرده ایم و چه خوراکی را پیش رویشان گذاشته ایم که این مشتریان نه تنها پایبند ما نشده اند بلکه در لحظه بحران ما را تنها نیز گذاشته اند. آیا سینما به عنوان یک مقوله فرهنگی توانسته با مردم چنان ارتباط عمیقی برقرار کند که در شرایط ناگزیر تنمهای از اثرات این رابطه در وجود او باقی بماند، تا گاهی دلش برای دیدن فیلمی در سالن سینما تنگ شود؟ یا آنچه مخاطب از ما دریافت کرده مرهمی لحظه ای بر زخم های فردی و اجتماعی اش بوده که اثراتش با قدم گذاشتن به بیرون سالن به فراموشی سپرده شده است. باید باور کنیم سلیقه ها عوض خواهد شد. طبع جامعه می طلبد که سینماچی و سینمادار طرحی نو بیندازند که در آن جایی برای سوره های آنجانی، شیوه های نمایش و تبلیغات منسوخ شده نباشد. باید نگاه سردستی در میان مخاطبان و حتی مسئولان را تغییر دهیم و کاری کنیم که سینما نه فقط یک سرگرمی بلکه مهمتر از آن مقوله ای کاملاً عمیق و جدی شود که جامعه در هر شرایطی برای تنفس به آن احتیاج دارد. در این مسیر راهی نداریم جز اینکه افکار نو و روابط نو داشته باشیم. باید خود را با سلیقه ها و فرهنگ نوین جامعه همراه کنیم. باید به شیوه های نو، موضوعات نو و شاید سوپر استارهای نو و... بیندیشیم.

شکی نیست که توان بشر بالاخره بر ویروس منحوس غلبه خواهد کرد. بنابراین خوب است از همین حالا یاد بگیریم که همدیگر را دوست داشته باشیم، به هم احترام بگذاریم و چشمانمان را به راه های نو نبندیم و امید را به عنوان گنجینه ابدی بشریت پاس بداریم..... همراه شوعزیز....

